

سر مقاله

رنج‌های کنکور

■ **محمد هدایتی**

در میان فهرست چیزهایی که «کنکور» به ذهن متبادر می‌کند احتمالاً یک نام همواره حضور دارد: اضطراب. کنکور، این درِیچه ورود به دانشگاه که در ایران واسطه «ساختن آینده» معرفی شده، چیزی همواره استرس را به نظر می‌آید و اتفاقاً از معدود چیزهایی است که در طی پنجاه سال گذشته اهمیت و هیمنه خود را حفظ کرده است. کنکور آن حلقه‌ای است که بیش از هر چیز دیگر فرد، خانواده، دولت و اقتصاد را به هم گره می‌زند و به این خاطر وسواس عجیبی پیرامون آن شکل گرفته است. دانش آموز ایرانی، تقریباً از سیزده چهارده سالگی وارد چرخه کنکور می‌شود. در این چرخه سراسام آور، تمام فرایند مدرسه و آموزش، دوستی‌ها، اوقات فراغت و سبک زندگی وابسته به نقشی می‌شوند که در کنکور دارند. و از این جاست که چالش‌ها یک به یک آغاز می‌شوند. خانواده و نظام آموزشی همه چیز را از دریچه موفقیت در کنکور می‌بینند و این امر فشار و خشتناکی را بر دانش آموز هوار می‌کند. تبریح این باور القا می‌شود که شکست در کنکور، به معنای شکست در زندگی است؛ که انگار هیچ راه دیگری پیش روی فرد قرار ندارد. و البته می‌توان به تأثیرات درازمدت این تصویرسازی اشاره کرد. پژوهش‌های مختلف هم نشان داده‌اند که برخی ناکامان در کنکور دوره‌های از افسردگی و درون گرایی را تجربه کرده اند- و البته گاه این دوره ها موقتی هم نیستند. می‌دانیم که تصور فرد از خودش تا حد زیادی وابسته است به تصویری که دیگران از او، شایستگی‌ها و توانایی هایش دارند. ناکامی در این آزمون گاه در نوعی احساس حقارت ایجاد می‌کند، احساس ناتوانی که انگار «بی عرضه» است و متأسفانه چنین خودانگاره ای نه‌ادینه هم می‌شود. تقریباً در تمام مراحل از سال ها پیش از کنکور و گاه تا پایان عمر این نگرانی و اضطراب دیده می‌شود. در یکی از پژوهش ها مصاحبه ای انجام شده بود با افراد مختلف که هر کدام از تجربه های مختلف‌شان از کنکور می‌گفتند. گروهی اشاره کرده بودند که از همان سال های دبیرستان به دفعات روز و لحظه کنکور را تصور کرده اند، با مدای در دست و جواب هایی که به ذهن خطور نمی‌کند؛ و اینکه هنوز هم این لحظه لرزه بر اندام‌شان می‌اندازد. گروهی دیگر به ترس همیشگی‌شان از واکنش‌های اطرافیان و بخصوص خانواده اشاره داشتند و اینکه سال ها کابوشی را می‌دیدند حتی بودند کسانی که در میانسالی هم شنیدن کلماتی مثل «تست»، «آزمون»، یا «سازمان سنجش» مضطرب‌شان می‌کند. متأسفانه آگاهی و شناخت عمومی از این اضطراب به شکل گیری مسیری برای کاهش آن منجر نشده است و اتفاقاً با ورود مؤسسات آموزشی و «صنعت کنکور» بر اضطراب افزوده شده است. تصور این اضطراب لحظه به لحظه، چالش های بسیار با خانواده، و ترس از امروز و آینده و خشتناک است و متأسفانه تقریباً غالب افراد در ایران این روند سهمگین را تجربه می‌کنند.

یادداشت

زنگ خروج از مدرسه به صدا در آمده‌است

■ **محمد هدایتی**

در شاخص‌های مختلف توسعه از جمله شاخص توسعه انسانی (HDI) نرخ باسوادی جامعه از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. فرض بر آن است که افرادی که سواد خواندن و نوشتن در سطوح مختلف دارند، در حنقال دوره ای ۱۲ ساله آموزش همگانی را طی می‌کنند، توانایی‌های شناختی و ادراکی بیشتری برای حضور و فعالیت در جامعه پیدا می‌کنند و در زندگی‌های شخصی شان مواجهه بهتری با مسائل دارند. افراد فاقد تحصیلات عموماً توان و انگیزه لازم برای فعالیت اجتماعی و کسب و کار اقتصادی را ندارند. در نگاه کلان هم شهروندان باسواد و آگاه واسطه توسعه اجتماعی قلمداد می‌شوند. به این خاطر است که یک قرن اخیر در سراسر جهان، قرن مبارزه با بی سوادی بوده است. انواع و اقسام برنامه های دولتی برای گسترش سواد در دورترین مناطق و سرمایه گذاری بسیار در این زمینه بخشی از برنامه کلی و جهانی برای مبارزه با بی سوا دی بوده است.

در ایران هم برنامه های مبارزه با بی سواد ی بخش مهمی از سیاست های دولت، در فصدال اخیر بوده و در سال های قبل و بعد از انقلاب توجه جدی به این مسئله شده است. این برنامه در دوره قبل از انقلاب عموماً تحت عنوان «سپاه دانش» قرار داشت و در سال های بعد از انقلاب هم «هفت سوادآموزی» نقش بسیار مهمی در مبارزه با بی سواد ی داشت. آمارهای موجود نشان از تأثیرگذاری بسیار زیاد برنامه های سوادآموزی دارند. در سال ۱۳۵۵ نرخ باسوادی ۵۲٫۲ درصد بوده است که این نرخ در سال ۱۳۶۵ به ۶۱ درصد، در سال ۱۳۷۵ به ۷۹٫۵ درصد، در سال ۱۳۹۵ به ۸۷ درصد و در اوایل ۱۴۰۰ به ۹۰ درصد رسیده است. یعنی یک رشد محسوس و معنی دار. در تمام این سال ها، دولت های مختلف کوشیده اند از تأثیر موانع پیش روی سوادآموزی و از جمله موانع اقتصادی یا جغرافیایی بکاهند به طوری که در طی آن چند دهه روند ترک تحصیل با بسیار کم بود و تحصیلات به عنوان یک ارزش اجتماعی و البته واسطه ای برای رسیدن به مشاغل مطلوب در نظر گرفته می شد. اما این الگوی مثبت در چندسال اخیر و به ویژه از زمان همه گیری ویروس کرونا به یک باره معکوس شده و حالا به دو آمار و خشتناک روبرو هستیم که مستقیماً به مسئله سوادآموزی مربوط اند. البته ذکر این نکته لازم است که در قفسه سوادآموزی تنها خواندن و نوشتن مطرح نیست و گذراندن حدی از تحصیلات ابتدایی و متوسطه لازم است. مدیر کل آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش در خرداد ماه اسال از وجود حدود ۱۸۵ هزار دانش آموز بازمانده از تحصیل و ۷۵۰ هزار دانش آموز تارک تحصیل در کشور، خبر داده است. یعنی چیزی نزدیک به یک میلیون دانش آموز دیگر از خدمات آموزشی بهره مند نمی شوند. بزرگی این عدد آنجایی معلوم می شود که طبق برآوردها تعداد کل دانش آموزان کشور حدود ۱۵ میلیون نفر است، و خب درباره آسیب های شخصی و اجتماعی این پدیده اتفاق نظر وجود دارد. در سطح شخصی این مسئله با نوعی آسیب روانی و ناتوانی اجتماعی همراه است. به گفته رئیس نظام روانشناسی و مشاوره کشور «خارج شدگان از چرخه کامل ۱۲ ساله تحصیل به طور فراوانی بیش از همسالان نمانع خود را مدراس در معرض آسیب های روانی و اجتماعی قرار می گیرند». در سطح اجتماعی هم همانطور که گفته شد توان های اجتماعی برای توسعه اجتماعی کاهش می یابد. این پدیده نیازمند سرمایه گذاری و برنامه ریزی جدی مسئولان نظام آموزشی است. واقعیت این است که در سال های اخیر سرمایه گذاری در بخش آموزش عمومی کاهش یافته است، سراسر آموزش هر دانش آموز باستان است و همه این ها نگرانی های جدی درباره آینده کشور ایجاد کرده است.

WWW.EMTIAZDAILY.IR

روزنامه صبح ایران

امتیاز

چهارشنبه ۹ مرداد ۱۴۰۵ / شماره ۸۱۳۴۹۳ / صفحه ۵۰۰۰ تومان

گزارش «امتیاز» در مورد سهم فرش از صادرات غیرنفتی؛

پهن کردن دوباره قالی فاخر ایران

تعداد معاملات مسکن در محبوب‌ترین مناطق تهران کاهش یافت؛

جزئیات ریزش تقاضا در بازار مسکن پایتخت



مدیرعامل شهریان و حریم‌بان شهرداری تهران؛

تعداد دست‌فروشان فعلی پایتخت از

۳۱ هزار نفر به ۵/۸۰۰ نفر رسیده است

وزارت بهداشت هشدار داد:

کاهش چشمگیری

مصرف مواد لبنی

به خاطر گرانی

اخبار

عقب نشینی وزیر ارتباطات: از مواضع خود؛

چیزی به نام «اینترنت ملی» و «طرح صیانت» نداریم



وزیر ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات درباره آخرین وضعیت «طرح صیانت» گفت: یک عده بالاخره جو سازی می‌کنند و نان می‌خورند و لا چیزی به اسم «طرح صیانت» تصویب نشده است که بخواهد اجرایی شود.

عیسی زارع‌پور، درباره این که پس از اتفاقات اخیر در حوزه زیرساخت‌های شبکه مخابراتی کشور بحث‌های پیرامون ارتقاء امنیت این شبکه مطرح شد، وزارت ارتباطات و فن‌آوری چه اقداماتی در این زمینه انجام داده است، گفت: بحث‌هایی را به شکل جدی در حوزه ارتقاء امنیت زیرساخت‌های ارتباطی کشور پیگیری می‌کنیم تا بتوانیم فضایی امن برای کسب و کارهای مردم فراهم کنیم.وزیر ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات ادامه داد: در روزهای اخیر یک کنفرانس داشتیم با عنوان «کنفرانس امنیت تاب‌آوری شبکه ملی اطلاعات» که در آن ظرفیت‌هایی که در کشور چه در حوزه سخت‌افزار و نرم‌افزار وجود داشت، بررسی کردیم، پهل‌های مختلفی برگزار شد. وی تأکید کرد: تمامی همفکری‌ها در این کنفرانس برای این بود که چه کارهایی صورت گیرد تا امنیت زیرساخت ارتقاء پیدا کند زیرا زندگی مردم به این فضا وابسته شده است اطلاعات شخصی، سازمانی و دولتی در این بستر تبادل می‌شود حتماً امنیت مقوله بسیار مهمی است و جزء اولویتهای ما در وزارت ارتباطات است.

زارع‌پور درخصوص آخرین وضعیت «اینترنت ملی» گفت: چیزی به اسم اینترنت ملی نداریم. وی در خصوص «طرح صیانت» عنوان کرد: چیزی هنوز به نام طرح صیانت تصویب نشده و چیزی به این اسم نداریم. یک عده بالاخره جوسازی می‌کنند، بازی می‌کنند، نان می‌خورند و لا چیزی تصویب نشده است که بخواهد اجرایی شود.

یادداشت

■ **جعفر محمدی**

«عزت» ، قله ای است که راه های متعددی برای رسیدن به آن وجود دارد، گاهی باید مذاکره کرد، گاه حتی با معاویه نیز باید که صلح کرد... و گاه در اوج غربت، تن به شمشیر سپرد. بزرگ ترین چنایی که می توان در حق امام حسین (ع) روا داشت این است که تمام زندگی اش را به کنجی گذاریم و حسین(ع) را مردی بدانیم که در صبح عاشورا طلوع کرد و در ظهر آن روز غم انگیز، در گودال قتلگاه به خون خود غلغید.

این تصویری است که اغلب ما شیعیان از حسین(ع) ترسیم می کنیم و با دیروز کربلا و دیروزهای عاشورا، کاری نداریم. گو این که تنها چیزی که لازم است درباره حسین(ع) بدانیم، قدرت جنگندگی و شجاعتش ، شدت مظلومیت و تشنگی اش و نحوه شهادتش است و دیگر هیچ.

حسین (ع)، اما نه نهمروز که ۵۷ سال در این دنیا زیست و به روایت تاریخ، در تمام این سالها ها، حفظ نفع عمومی

اقراریان در توضیح یک خبر؛

وضعیت آشفته پایتخت به دوره پنجم مدیریت شهری برمی گردد

رئیس کمیسیون نظارت و حقوقی شورای اسلامی شهر تهران گفت: وضعیت آشفته شهر تهران در دوره پنجم مدیریت شهری آغاز شده است.

مهدی اقراریان در هشتاد و چهارمین جلسه شورای اسلامی شهر تهران با اعلام اینکه سخنان من در شورا در رابطه با ساماندهی کودکان سر چهارراهها و دست‌فروشان بوده است، خاطرنشان کرد: این موضوع مطرح شد که سخنان من در واکنش به گفته های آقای فروزنده معاون برنامه‌ریزی، توسعه سرمایه‌انسانی و امور شورای شهرداری تهران بوده، در حالی که ایشان هیچ‌گونه سخنرانی در جلسه هشتاد و چهارم شورا نداشته است و امیدواریم این خبر اصلاح شود.

اقراریان با بیان اینکه وضعیت آشفته تهران در دوره پنجم آغاز شده است، اظهار کرد: ما با شهرداری رودربایستی نداریم و نه حرفی می‌زنیم که شهرداری دوست داشته باشد و نه حرفی می‌زنیم که به مذاق رسانه‌ها خوش بیاید.

وی با بیان اینکه در دوره پنجم موضوعات مختلف از جمله گزارشات حسابرسانی رها شده بود، یادآور شد: این وضعیت شهر در دوره اصلاح طلبان بوده و اگر سر سوزنی انصاف وجود داشته باشد، چنین سخنانی درباره گفته های من بیان نمی‌شد.

پرویز سروری نایب رئیس شورای اسلامی شهر تهران نیز گفت: برخی افراد از سخنان ما نکاتی را منعکس می‌کنند که وضعیت را سیاه نشان دهند و به نوعی سیاه نمایی می‌کنند.



بابایی: لایحه‌ای که دولت برای بی‌تدبیری خود آورده را قاطعانه رد می‌کنیم

دولت در اجرای مصوبه تغییر نظام پرداخت یارانه تخلف کرده است



عضو کمیسیون اجتماعی مجلس گفت: از نظر ما موضوع کالابرگ باید از همان ابتدای سال اتفاق افتاده و اجرایی می‌شد اینکه اجرایی نشد یعنی نقض قانون بودجه سال ۱۴۰۱ و دولت تاکنون هم تخلف کرده است.

علی بابایی کارنامی نماینده مردم ساری، درخصوص ارسال لایحه‌ای از سوی دولت به مجلس درخصوص اصلاح لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ و به منظور حذف قید «شهریور ۱۴۰۰» درخصوص تخصیص کالابرگ به مشمولان پس از اجرای طرح حذف ارز ترجیحی، گفت: من هنوز این لایحه را ندیده‌ام خطا قطرم مجلس همان مصوبه خودش است و خارج از آن عمل نخواهد کرد. اگر غیر از این عمل کرد، مجلس هم در بی‌نظمی اقتصادی کشور مقصر اصلی خواهد شد. بابایی کارنامی در ادامه امنیت تاب‌آوری شبکه ملی اطلاعات» که در آن ظرفیت‌هایی که در کشور از همان روز اول باید شروع کند به اجرای قانون بودجه اما چند ماه صبر کرد و کارهای خود را انجام داد و بعداً می‌خواهد توجیهی داشته باشد که بگوید مجلس هم در بی‌تدبیری دولت مقصر است برای این مساله لایحه آورد. از این منظر ما مخالف هستیم و اگر این لایحه اعلام وصول شود و به صحن بیاید مجلس به صورت قاطع رأی مخالف خواهد داد.

نماینده مردم ساری در پاسخ به سوالاتی پیرامون اجرای طرح کالابرگ الکترونیک به جای پرداخت نقدی و اثرات آن با توجه به این که اکنون چند ماه پرداخت نقدی صورت گرفته و شاهد تأثیر آن بر تورم هستیم، اظهار داشت: از نظر ما موضوع کالابرگ باید از همان ابتدای سال اتفاق افتاده و اجرایی می‌شد اینکه اجرایی نشد یعنی نقض قانون بودجه سال ۱۴۰۱ و دولت تاکنون هم تخلف کرده است.

سانسور ۵۷ ساله و خلاصه کردن زندگی حسین(ع) به نیم روز آخر

را برگزید اما آنقدر شجاعت داشت که اگر روزگاری پیمان صلح نقض شد و گفت و گو‌ها فایده ای نداشت، سکوت نکند و جان خود عزیزترین بایش را فدا کند. حادثه کربلا ، زمانی به وقوع پیوست که تمام راه های مسالمت آمیز با عناد و لجاج بدنامانی مانند شمر و عبیلالله بسته شدند و تنها دو راه باقی ماند، یا تأیید حکومت یزید یا جهاد و شهادت ؛ و حسین (ع) این دومی را برگزید.

مروری بر زندگی ۵۷ ساله امام حسین(ع) که در سراسر آن تدبیر، انسان دوستی، وفای به عهد، صلح خواهی و البته شجاعت و جهاد و نهایتاً شهادت بود، می تواند نگاه ما به آن نهمروز آخر را بسیار پرمعناتر و پرمهیوم تر سازد.

این گونه است که درخواهیم یافت که «عزت» ، قله ای است که راه های متعددی برای رسیدن به آن وجود دارد، گاهی باید مذاکره کرد، گاه حتی با معاویه نیز باید که صلح کرد، گاهی درخواست قیام مسلمانان را رد کرد و گاه در اوج غربت، تن به شمشیر سپرد. دیدن این آخری و ندیدن آنچه گذشت، تحلیل نادرست از مفهوم «عزت» است و چنانی مستمر به حسینی(ع) که ۵۷ سال زندگی کرد، نه نیم روز.

در هزاران عاشورای فردی به کدام طرف پیوسته ایم؟ سپاه حسین(ع) یا لشکر یزید؟! خود دستور داد تا برگردند و فقط برابر خود عباس و فرزندان علی اکبر را نزد خود نگاه داشت. عمر بن سعد نیز فرزندش ماجرا، عمر بن سعد نامه ای به عبیلالله نوشت و ضمن آن پیشنهاد کرد که حسین(ع) را رها کنند چرا که خودش گفته است که یا به جهاد برمی گردم یا به مملکت دیگری می روم.

عبیلالله در حضور یاران خود نامه این سعد را خواند، شمر بن ذی الجوشن سخت برآشففت و نگذاشت عبیلالله با پیشنهاد عمر بن سعد موافقت کند (منبع:نهمروزباسته به سازمان تبلیغات اسلامی)

به راستی اگر شمر خیانت نمی کرد و امام و اصحاب و خانواده اش از کربلا بر می گشتند، عزت نداشتند؟ قطعاً که داشتند چرا که حسین(ع)، تمام ۵۷ سال زندگی اش را عزتمندانه زیسته بود و عزت حسینی، فقط محصول کربلا و عاشورا نبوده است.

امام حسین (ع) همان گونه که سال ها برای حفظ صلح و منافع عمومی امت اسلام صلح و سکوت و گفت و گو

نفر در محل موعود حاضر شدند.امام حسین(ع) به همراهان خود دستور داد تا برگردند و فقط برابر خود عباس و فرزندان علی اکبر را نزد خود نگاه داشت. عمر بن سعد نیز فرزندش خصص و غلامش را نگه داشت و بقیه را مرخص کرد. در این ملاقات عمر بن سعد هر بار در برابر سؤال امام حسین(ع) که فرموده ای یا می خواهی با من مقاتله کنی؟ عذری آورد، یک بار گفت: می ترسم خانه ام را خراب کنند! امام حسین(ع) فرمود: من خانه ات را می سازم.

این سعد گفت: می ترسم اموال و املاکم را بگیرند!

فرمود: من بهتر از آن را به تسو خواهیم داد، از اموالی که در حجاز دارم.

عمر بن سعد گفت: من در کوفه بر جان افراد خانواده ام

از خشم این زیاد بیمناکم و می ترسم آنها را از دم شمشیر بگذرانم.

حضرت هنگامی که مشاهده عمر بن سعد از تصمیم

خود باز نمی گردد، از جای برخاست در حالی که می فرمود:

تو را چه می‌شود؟ خاوند جانت را در بستر بگیرد و تو را

شب هنگام امام حسین(ع) با ۲۰ نفر و عمر بن سعد با ۲۰